

در جنبه محیطی بسیاری از صفات و خصایص دوران رحمی برای طفل سرنوشت ساز است.^۲ در دنیای پس از تولد نیز محیط دامن پدر و مادر، وضع تغذیه کودک در دوران شیرخوارگی و پس از آن، جو فرهنگی و فکری والدین، شرایط اقتصادی و سیاسی خانواده، نوع روابط والدین با یکدیگر و با کودک، میزان روابط، درجه درک و فهم و منطبق داری والدین، همه و همه بر کودک مؤثرند.^۳

علاوه بر تأثیرگذاری محیطی، باید گفت که خانه مرکز مهر و ضابطه است. پدر مظهر عدل و قانون و نماد مدیریت انضباطی و مادر مظهر کامل مهر و عاطفه است و درهمی و باهمی این دو ویژگی، عامل تحقق معجزه تربیت است.^۴ و هم خانواده برآورنده نیازهای اساسی طفل، مرکز الگوگیری، تقلید و همانندی است.^۵ و این جنبه‌هاست که کودک را آئینه تمام نمای اخلاق، رفتار و گفتار پدر و مادر می‌سازد.

عملکرد و وظایف خانواده

وظایف و مسؤولیت خانواده در ارتباط با کودک، تربیت و نیز اداره و هدایت جریان رشد او، فراهم کردن زمینه برای شکوفایی او، آماده‌سازی شرایط برای تجلی و بروز گنجینه‌ها و ودایع الهی موجود در اندرون او، برای به‌ثمر رساندن آنهاست. و بدین‌سان والدین را در امر تربیت نسل سه وظیفه عمده است:

۱- ساختن و به‌عمل آوردن کودک بر اساس طرح و برنامه و روشی که خالق بشر آن را برای سعادت و مصلحت آدمی در نظر گرفته و از طریق سفیر خود، یعنی پیامبر به بشر اعلام کرده است.^۶ (سازندگی).

خانواده هسته اولیه همه سازمانها و نهادهای اجتماعی، دنیای تازه کودک، مرکز تشکل رفتار و سازماندهی حیات فکری طفل و نیز پرورش اخلاق و ساماندهی ذهنیت‌ها و عواطف اوست.

خانواده محیط پدیدآیی و سرایت فلسفه زندگی، مطلوبها و آرمانها، مرکز تنفیذ باورهای مدنی، مذهبی و سیاسی و توسعه و گسترش آنها و در نهایت محل تثبیت‌ها، تمرین‌ها، و تکوین‌هاست.

راز اهمیت خانواده را باید در نقش وراثتی و محیطی آن جست‌وجو کرد. خانواده مرکز سرایت وراثت از نسلهای پیشین به نسل جدید است (از طریق نطفه به‌وسیله پدر و مادر). صفات مربوط به نوعیت، جنبه‌های فیزیولوژیک، پاره‌ای از صفات مرضی و روانی از طریق یادشده به طفل سرایت می‌کند.^۱

خانواده و

پیشگیری‌ها

دکتر علی قائمی

طفل برای رنگ‌پذیری و همانند شدن^{۱۲} و... که این مجموعه می‌تواند زمینه‌ساز سقوط و انحراف کودک شود.

اینکه انحرافات و لغزش‌ها را می‌توان زدود و فرد منحرف را می‌توان به راه آورد، امری است که دربارهٔ امکان آن ما را تردیدی نیست، ولی باید اذعان کنیم که آن امر بس دشوار و در مواردی قریب به محال است. به همین خاطر در تربیت، بویژه در نظام تربیتی اسلام، اصل بر پیشگیری است.

صاحب‌نظران در عرصه‌های گوناگون آسیب‌شناسی معتقدند که پیشگیری آسانتر و ارزانتر از درمان است، ضمن آنکه عامل جلوگیری از اتلاف‌ها و ضایعات عمر و سرمایه، موجب حفظ حیثیت و آبرو، سبب تداوم و تثبیت شخصیت، و ایجاد مانع برای از هم گسستگی و گره زدن مجدد آن است.

دامنهٔ پیشگیری

دامنهٔ پیشگیری‌ها دربارهٔ نسل، وسیع و دربرگیرندهٔ همهٔ انسانها و در همهٔ مراحل عمر است. ولی در آنچه مربوط به این بحث است، دو گروه از مراحل سنی بیش از دیگر گروه‌ها از این موهبت مراقبتی باید برخوردار باشند:

۱- گروه کودکان و افرادی که در مرز سنی تا ۱۱ و ۱۲ سالگی قرار دارند، بویژه در دوران پیش از دبستان که دورهٔ پایه‌گذاری، تکوین، و تشکیل شخصیت و اخلاق است،^{۱۳} اگرچه در مرحلهٔ دبستان نیز که دوران تفکر منطقی^{۱۴} و مرحلهٔ برهان‌پذیری و رنگ گرفتن است^{۱۵}، امر پیشگیری باید مورد نظر باشد.

۲- گروه نوجوانان، یعنی آنها که در مرز سنی ۱۲-۱۸ سالگی قرار دارند و در مرحلهٔ بلوغ و

۲- بازسازی و ترمیم در همهٔ زمینه‌ها و همهٔ ابعاد وجودی طفل، آنگاه که با نارسایی و نقصی مواجه شوند و یا کودک را در جریان رشد از خط تعیین شده منحرف ببینند (درمان و اصلاح).

۳- پیشگیری از خطر سقوط و انحراف، در قالب مراقبت‌ها، رعایت‌ها، و سرپرستی‌ها، لااقل تا مراحل رشد و تمیز کودک و رسیدن او به مرحلهٔ حفظ و صیانت خود از آسیب‌ها، دفاع از شرافت و حیثیت و سرپا ایستادن خویش که این امر هم حق کودک است، و هم مسؤلیت شرعی والدین، و حتی دیگر انسانها.^۷ و ما بحث خود را به این قسمت اختصاص می‌دهیم.

در ضرورت پیشگیری‌ها

ما را شکی در این امر نیست که پدران و مادران دوستدار واقعی فرزندان و خیرخواه آنان هستند. و هم در این نکته تردیدی نداریم که فطرت کودک پاک و دارای رنگ الهی^۸ و آفرینش او بر مبنای حسن^۹ و نظام احسن است. و خدای در بهترین ارزیابی‌های ممکنه آدمی را آفرید: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم.^{۱۰} گاهی در مسیر حرکت و رشد کودک، موانع و مشکلاتی نیز حضور دارند، مثل غفلت‌ها و فراموشی‌ها از سوی کودک و گاهی هم از سوی والدین، و سوسه آفرینی‌ها از غیر برای کودک، دچار سوسه‌ها و زرق و برق‌ها شدن از سوی خود کودک، ایجاد عوامل فریب از سوی معاشران و گاهی هم محیط و شرایط اجتماعی، ضعف تمیز و توان عقلی کودک که بین سنگریزه و جواهر فرق قائل نیست، امکان تحت پوشش قرار گرفتن فطرت و وجدان^{۱۱}، آمادگی جدی

پروردگار است بیرون افتاده، در وادی منکر طی طریق می‌کند و چنین فردی گمراه، بزهکار و عاصی خوانده می‌شود.

بدین سان هنگامی که سخن از پیشگیری در تربیت است، می‌خواهیم بگوییم که والدین و مربیان وظیفه دارند با طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، با پیش‌بینی‌ها و زمینه‌سازی‌ها، با مراقبت‌ها و نظارت‌ها، در ارتباط با نسل، به‌گونه‌ای عمل کنند که او از خط تعیین شده برای حرکت بیرون نیفتد و دچار سقوط و انحطاط‌ها، و فنا و زوال جسم و عاطفه و روان نگردد.

امکان پیشگیری

آیا در امر تربیت نسل امکان پیشگیری وجود دارد؟ و ما به واقع می‌توانیم از انحراف نسل خود جلوگیری کنیم؟ پاسخ این سؤال با تحت‌نظر قرار دادن شرایط اجتماعی و بیرونی، مثبت است.

مذهب در پاسخ به این سؤال می‌گوید آری،^{۲۰} بدان خاطر که آفرینش بر اساس حسن است، فطرت انسان خدا آشناست،^{۲۱} و میل به کمال، رشد، حقیقت‌جویی و زیبا دوستی در اندرون همه انسانها وجود دارد و گرایش به در خط حق و عدل و انسانیت و کمال بودن از درون می‌جویشد.^{۲۲}

علم و دانش بشری نیز به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد،^{۲۳} بویژه که بسیاری از علما، فلاسفه و صاحبان خطوط فکری، انسان را موجودی کمال طلب، سعادت‌خواه، خویذیر، و طالب خیر خود می‌شناسند و معتقدند که اگر آدمی باورش شود که حرکت در خط تعیین شده موجب سعادت اوست، در آن خط حرکت خواهد کرد.

شکوفایی آن هستند، که این مرحله از عمر دوران قوام یافتن شخصیت، مرحله شکل‌گیری عواطف متقابل، دوره تثبیت اخلاق و رفتار است و بسیاری از عادات نیکو و یا انحرافی در این مرحله پایه‌گذاری می‌شود.^{۱۶}

و در همین جا به ذکر این نکته پردازیم که پیشگیری برای هر دو نسل پسر و دختر مطرح است، اما درباره دختران ضروری‌تر است و این امر به دلیل حساسیت شرایط آنها در بینش اسلامی و هم به خاطر نقش بعدی بسیار مهم آنان در عرصه حیات، یعنی نقش همسری و مادری است و رشد و انحطاط هر جامعه به نقش زنان در آن جامعه بیشتر بستگی دارد تا به نقش مردان و مهمترین کمبود و نارسایی یک مملکت، کمبود مادران صالح و نیک‌اندیش برای تربیت نسل صالح است.^{۱۷}

پیشگیری از چه چیز؟

در تربیت نسل پیشگیری از چه چیز مورد توصیه است؟ پاسخ، پیشگیری از خطرها، آسیبها و عوارضی است که متوجه جسم و ذهن و عاطفه و روان نسل است، پیشگیری از هر عاملی که برای کودک و نوجوان صدمه آفرین باشد و یا در دیدی کلی پیشگیری از انحراف و بیرون افتادن از وادی انسانیت و اخلاق.^{۱۸}

انحراف چیست؟ انحراف نوعی بیرون افتادن از خطی است که برای انسان بودن انسان ترسیم شده و از آدمی خواسته‌اند بر روی آن خط و مسیر در حرکت باشد.^{۱۹} و آن خط شرافت و اخلاق است و طی‌کننده راه بر روی آن خط، شریف خوانده می‌شود.

منحرف کیست؟ کسی است که از خط ترسیم شده برای سعادت بشر، که از جانب

اما در مورد علل انحراف باید گفت چه بسیارند شرایط و عواملی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم سبب انحراف و سقوط فرزندان ما می شوند، و والدین و مربیان را وظیفه است که آن عوامل و علل را بشناسند و از بروز و ظهور و توسعه و گسترش آنها جلوگیری کنند.^{۲۵}

ما در این عرصه ناگزیر به دسته بندی آن عوامل و تبیین و تشریح آنها با رعایت اختصار هستیم و واقعیت این است که تحلیل کامل و همه جانبه آنها، نیاز به دفتری جداگانه و پر حجم دارد. اما آن عوامل عبارتند از: عوامل شخصی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و عوامل فرهنگی. ما در ضمن بیان هر مبحث، جنبه های پیشگیری لازم در آن عرصه را نیز که بعد عملی داشته باشد، عرضه خواهیم کرد.

عوامل شخصی

غرض ما از عوامل شخصی، عواملی هستند که به وضع و شرایط خود فرد مربوط می شود، اگرچه در مواردی ریشه های آن مربوط به والدین و اجداد است. در این زمینه باید از این عوامل نام ببریم:

الف - عوامل زیستی

مقصود آن دسته از عواملند که به شرایط زیستی و ساختار بدنی خود شخص مربوط می شوند. برخی از آنها بالاستقلال ممکن است عامل انحراف باشند و برخی دیگر به خاطر موضوعی که جمع و جامعه در قبال آن شرایط اتخاذ می کنند و از آن جمله اند:

۱- نقایص و نارسایی های جسمی

و در این زمینه موارد بسیاری قابل ذکرند، که از آن جمله اند:

تجربه زندگی روزمره ما نیز این سخن را تأیید می کند. ما افرادی را می شناسیم که به دلایل و عللی در معرض دامها و سقوطها قرار گرفتند و به علت زمینه داری از پیش تنظیم شده خود را از آن رها نکردند و از سقوط و انحراف دور و بر کنار ماندند. هشدارهای گذشته والدین، پرورش های دینی و اخلاقی، بیدار نگه داشتن فطرت و وجدان، تنفیذ باور و ایمان در افراد، همواره زمینه ساز پیشگیری از انحطاطها بوده است.

عوامل انحراف

در امر پیشگیری نسل از فرو افتادن به دام سقوط و انحراف، نخست باید انحراف و آنگاه عوامل آن را شناخت. در پیش دینی و اخلاقی، انحراف، یا جرم و بزه، تعریف و معنی روشنی دارد. از نظر ما معلوم است که ما چه چیزی را گناه یا انحراف می شناسیم^{۲۶} و مرتکبان چه اموری را منحرف می خوانیم. و بدین سان دور افتادن از خط شرع انحراف است، و سیرکننده در غیر وادی دین منحرف است. لذا دیگر



نیازی نمی بینیم که بر این مسأله روشن نکته جدیدی بیفزاییم.

- حالت اسهال مزاجی دائم که سبب سستی اراده و آن خود سرمنشاء بسیاری از افت‌ها، انحرافات و تسلیم شدن‌هاست و آن نیز در بعد پیشگیری با شرایط فوق قابل اصلاح است.

- حالت پرخوری، حرص و ولع در غذا، و گاهی ضعف مفرط ناشی از کم غذایی، فقر و ناداری، و زمانی بی‌اشتهایی و کم‌اشتهایی، عامل انحراف اخلاقی، بی‌اعتنایی، دله زدگی، چشم به دست دیگران داشتن و ... است که پیشگیری تربیتی، اخلاقی و پزشکی دارد. القآت، تذکرات، ایجاد عادات تازه، تقویت عزت‌نفس، روحیه‌داری و ... در این راه مؤثر است.

۳- وضع غده

غده‌ها که همانند کارخانه‌های شیمیایی کم حجم و پراثرند، در جای جای بدن انسان قرار و استقرار دارند،^{۲۸} و برخی از آنها چون غده هیپوفیز با همه کوچکی و کمی حجم خود، که در حد دانه لوبیایی است، نقش‌های سرنوشت‌سازی ایفا می‌کنند. هورمونهای مترشحه از غده که هر کدام چون رطوبت سر سوزنی است، اگر کم یا زیادگردند، سبب بروز شرایطی جدید، مثل غول‌پیکری، بلوغ زودرس و شرایط و حالات غیرمتعادل در انسان می‌شوند.^{۲۹}

غده بلوغ اگر پیش‌رس باشد موجب یک سلسله از زمینه‌های لغزش و انحراف است و اگر دیررس باشد زمینه‌ساز عوارضی دیگر چون خود آزمایی جنسی، که در هر دو حال آسیب‌رسان است^{۳۰} بیداری بموقع آن عامل سلامت و رشد روانی است و بیداری نابهنگام آن صدمه‌آفرین است.

- نقص بدن مثل لنگی، کوری، چپ‌چشمی، طاسی سر، نقص در دست، سر، صورت، بینی، وجود زوئانیدی در چهره که معمولاً با اینکه طفل در بروز و ظهور این نقائص مقصر نیست، اما مورد سرزنش‌ها، تمسخرها و زخم زبان زدن‌هاست که حاصل آن انحراف فرد از خط تعادل و اعتدال است.^{۲۶}

- در موضع پیشگیری، روحیه دادن به کودک، نشان دادن جنبه‌های مثبت او، بزرگ کردن نقطه‌های درخشان وی، تلاش در اصلاح و درمان و جبران آن نقایص، نشان دادن به طفل که او محبوب و عزیز خانواده است، اصلاح فرهنگ جامعه در جهت عدم سرزنش آفت‌زده‌ها، و کنترل‌های احتمالی در این زمینه مؤثر است. به همین گونه است موضع ما در قبال کودکی که زیبایی متعارف ندارد. همان‌طور که می‌دانید نفس زشتی به شرط عدم روحیه‌سازی، عامل سقوط و انحراف است، زیرا در آن عرضه خود برای پذیرفته شدن است (میمون هر چه زشت‌تر، رقصش بیشتر) و بسیاری از خودنمایی‌های جلف و ناشایست پسران و دختران در جامعه ریشه در همین امر دارد.^{۲۷}

۲- نابسامانی مزاج

پاره‌ای از حالات مزاجی نامتعادل زمینه‌ساز دوری از خط اعتدال و گاهی نشان دادن رفتاری است که ما از نظر تربیت آن را به صواب نمی‌خوانیم و در این ردیفند حالاتی چون:

- حالت بی‌بوسه دائمی مزاج که زمینه‌ساز اخلاقی سختگیرانه، حالتی عبوس و بی‌اعتنا، خست و دون طبیعی است، که با مراقبت‌های غذایی و درمان‌های پزشکی و القآت تربیتی قابل اصلاح و تعدیل است.



ب - عوامل ذهنی :

چه بسیارند شرایط و عوامل ذهنی که زمینه‌ساز انحرافند و در پیشگیری‌ها باید متوجه آن موارد بود و اقداماتی داشت . در این زمینه از مواردی می‌توان نام برد که اهم آنها عبارتند از :

- ضعف هوشی و به زبان دیگر عقب‌ماندگی ذهنی، که البته با درجات متفاوتی است : عقب‌مانده آموزش‌پذیر، عقب‌مانده تربیت‌پذیر، و عقب‌مانده عمیق که تنها دارای حیات نباتی یا حیوانی است .

- و از عوارض ضعف هوشی، به خود متغول شدن در بعد جنسی است .^{۳۲}

- انحراف در کنجکاو، یعنی امری که باید متوجه علم و تحقیق و صرف اوقات برای پژوهش شود، در کار کشف مسائل محرمانه و سر در آوردن از اسرار و رمزهای مگو شود، مثل کنجکاو‌ها و نگاه‌های دزدانه برخی از کودکان و نوجوانان در وضع معاشرت و روابط والدین، در تماشای بدن دیگران و ...

- بی‌بند و باری تخیل و تصور که زمینه‌ساز اوهام و خرافات و پای‌بندی به آنها و در مواردی خیالات انحرافی و سعی در تحقق و جامه عمل پوشاندن به آن باشد.

در پیشگیری از این ابتلا، ما را نیاز به مراقبت‌های بهداشتی، غذایی و در مواردی مشاوره یا درمان پزشکی است . شرایط مراقبتی و گاهی دارویی می‌تواند در این راه مؤثر باشد و از وسوسه سقوط جلوگیری کند. شما می‌دانید که پیش‌رسی بلوغ در همه جای جهان یک فاجعه خوانده می‌شود،^{۳۱} زیرا رشد جنسی پیش از موقع، از فرد خواستار اقل است و عقل وی در حد و شرایطی نیست که کنترل‌کننده او باشد و چنین افرادی در عرصه غریزی، یا صیدند و یا صیاد، و این هر دو انحراف است .

۴- شرایط درونی:

از دیگر جنبه‌های زیستی صدمه‌آفرین، وضع زیستی - درونی کودک است، مثل اختلال در عصب‌های مغز، اختلال در گردش خون، نابسامانی در وضع ضربان قلب، وضع و شرایط هضم در کودک که هر کدام از آنها به نحوی صدمه آفرین، موجب عصبیت، تن دادن به اقدامات عاجل و نسنجیده و در نهایت انحراف است. والدین و مربیان را در این عرصه نیز وظیفه پیشگیری به صورت اصلاح نابسامانی‌ها و رفع اختلال است .

- در پیشگیری‌ها، تربیت ذهن و ابعاد آن ، عادت دادن به تفکر قبل از اقدام، سعی در افزایش و پرورش عقل عملی، جهت‌دهی به کنسجکاو‌ی‌ها از همان دوران خردی، متوجه کردن خیال و تصور به کشف‌ها، ابداعات و اختراعات و مراقبت از عقب ماندگان ذهنی، درآمد و شده‌ها، در روابط معاشرتی ، و در حیات شخصی خصوصی، سعی در آموزش آنها به صورت نسبی ، بالا آوردن درجه فهم و ادراک آنها و ... می‌تواند از راه‌های مهم پیشگیری برای آنان به حساب آید.

- ضعف در دقت که گاهی آدمی را به دامی می‌اندازد که خروج از آن دشوار است .
- ضعف در فکر و هزم و اندیشه ، که در اثر آن فرد بدون سنجش و ارزیابی امور بدان تن در می‌دهد و گاهی برای خود و دیگران فاجعه می‌آفریند.
- و به همین گونه است ضعف در عقل تجربی ، ضعف در برهان‌پذیری و برهان‌آوری ، منطق نابسامان و استدلال بی‌پایه، حالت تسلیم عقلی و ... که هر کدام زمینه‌ساز ضعف و سقوط و انحراف هستند.

منابع :

- ۱۵- تربیت و سازندگی
- ۱۶- مراحل تربیت
- ۱۷- دنیای نوجوانی دختران
- ۱۸- آسیبهای و عوارض احتمالی
- ۱۹- همان
- ۲۰- به دلیل فرمان به اصلاح خود و دیگران
- ۲۱- فطرة الله
- ۲۲- فطرت ، شهید مطهری
- ۲۳- روان‌شناسی تربیتی
- ۲۴- قرآن و سنت آن را معلوم کرده‌اند.
- ۲۵- حقوق کودک در اسلام
- ۲۶- و متأسفانه چنین فرهنگ غلطی در همه جای دنیا وجود دارد.
- ۲۷- روان‌شناسی انحراف
- ۲۸- کتب زیست‌شناسی
- ۲۹- هورمونها
- ۳۰- خانواده و مسائل جنسی کودکان
- ۳۱- روان‌شناسی بلوغ
- ۳۲- روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی
- ۱- روان‌شناسی ژنتیک
- ۲- رحم به عنوان نخستین محیط حیات و تشکل کودک است.
- ۳- روان‌شناسی تربیتی
- ۴- تربیت و سازندگی
- ۵- روان‌شناسی کودک
- ۶- معنای تربیت اسلامی
- ۷- روی هم این مدت را اسلام تا ۲۱ سال دانسته است .
- ۸- آیه ۳۰، سوره روم
- ۹- آیه ۵۰، سوره طه
- ۱۰- آیه ۵، سوره تین
- ۱۱- در بیانش اسلامی فطرت زائل شدنی نیست، ولی در اثر سوء تربیت و القاءات تحت پوشش قرار می‌گیرد.
- ۱۲- روان‌شناسی کودک
- ۱۳- مراحل تربیت دبس
- ۱۴- مراحل تربیت شکوهی